

### متن پرسش

۳۵۱۶۴ با سلام خدمت استاد عزیز برای جوابی که برای سوال ۳۵۱۶۴ فرمودید شما درباره نیست انگاری صحبت کردید و من ربطش را خیلی نفهمیدم. استاد جان اون کمبودی که من حس می‌کنم در درونم نیست بلکه بیشتر در بیرونم و دنیای اطرافم است. خودم فکر می‌کنم از وقتی با صحبت‌های شما آشنا شدم و مسیر زندگیم مشخص تر شد در خانواده خود تنها تر شدم و از دوستانی هم که داشتم به علت متفاوت بودن فکر و رفتار و باور و اخلاق جدا شدم. وهمه اینها تنها می‌کرد ولی الان می‌خواهم در دنیای بیرون هم باشم و مفیدتر از قبل هم باشم و قویتر... اما نمی‌دانم چگونه شروع کنم! نمی‌دانم اگر در این مرحله به ندای قلبم گوش دهم مفید است یا نه؟! نمی‌دانم چگونه مفید باشم و چگونه از آنچه آموختم در دنیای بیرون استفاده کنم؟! می‌دانم بنده بی‌هستم که هستی ام با یاد او (خدایی مهربانم) زنده می‌ماند و هر لحظه زنده تر می‌شود و بدون او مرده ای بیش نیستم. و می‌دانم که تاریخ انقلاب اسلامی تاریخی زنده کننده و وصل کننده به حق است و از جنس آسمان است. اما نمی‌دانم من چگونه می‌توانم در این تاریخ حضوری فعال داشته باشم؟ استاد جانم برایم دعا کنید.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بدان جهت آن عرایض خدمتتان نوشته شد تا معلوم شود در چه شرایطی هستیم و چگونه باید با خود و دیگر انسان‌ها رابطه برقرار کرد وقتی همدیگر را در رابطه با نیست‌انگاری که عموم ما گرفتار آن هستیم، درک کنیم و مسئله اصلی خود را بشناسیم. در این صورت است که بستر رابطه‌هایمان مشخص می‌شود امری که در جواب سؤال شماره ۳۵۱۸۸ متذکر آن شدیم. موفق باشید